

شناسایی عوامل موثر بر رضایت زناشویی در زوجین خانواده‌ناتنی ایرانی: یک پژوهش داده بنیاد
Identifying factors affecting marital satisfaction in Iranian unmarried couple: A grounded theory research

Fatemeh Kokabi siok

PhD Student of Counseling psychology, Department of Psychology, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran.

Dr. Farideh Hamidi*

Associate Professor of Psychology, Educational Sciences Department, Humanities Faculty, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

fhamidi@sru.ac.ir

Dr. Hossein Fakouri HajiYar

Assistant Professor, Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran.

فاطمه کوبی سیوکی

دانشجوی دکتری روانشناسی مشاوره، گروه روان‌شناسی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

دکتر فریده حمیدی (نویسنده مسئول)

دانشیار روانشناسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

دکتر حسین فکوری حاجی‌یار

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

Abstract

The present study was conducted with the aim of identifying factors affecting marital satisfaction in Iranian unmarried couples. The qualitative research method was the type of foundation data. The statistical population included all Setp family couples living in Mashhad in 2021. 21 couples (42 people) who had the conditions to participate in the interview were selected as a statistical sample using the purposeful sampling method (with voluntary selection), taking into account the theoretical saturation point. The data collection tool included a semi-structured interview. In the current research, MAX QDA software was used to analyze the data using the grounded theory method with categories coding and SPSS software to determine the kappa coefficient. Based on the findings, the communication skills of couples were identified as the main factor in the marital satisfaction of Iranian Setp family couples. Also, other causal factors in the marital satisfaction of Setp family couples include: the manner and motivation of marriage, mental and physical health, the level of commitment of the couple to each other, the level of satisfaction with the sexual relationship, the level of the ability of the couple in role-taking, emotional, behavioral and personality factors of the couple agree on It was about raising children and how to establish a relationship with them. Understanding and identifying factors affecting marital satisfaction in Iranian unmarried couples can be considered as a model and a path for couples, especially couples about to remarry, and ultimately help the health of society.

Keywords: Marital satisfaction, Stepfamily couples, grounded theory.

چکیده

مطالعه حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر رضایت زناشویی در زوجین خانواده‌ناتنی ایرانی صورت گرفت. روش پژوهش کیفی از نوع داده‌بنیاد بود. جامعه آماری پژوهش در برگزیده کلیه زوجین خانواده‌ناتنی ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۰ بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند (با انتخاب داوطلبانه) با در نظر گرفتن نقطه اشباع نظری تعداد ۲۱ زوج (۴۲ نفر) که شرایط شرکت در مصاحبه را داشتند، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAX QDA به روش داده‌بنیاد (گراند تئوری) با کدگذاری مقوله‌ها و نرم افزار SPSS برای تعیین ضریب کاپا بهره گرفته شد. براساس یافته‌ها مهارت‌های ارتباطی زوجین به عنوان عامل اصلی رضایت زناشویی زوجین خانواده‌ناتنی ایرانی شناسایی شد. همچنین عوامل علی دیگر در رضایت زناشویی زوجین خانواده‌ناتنی شامل: نحوه و انگیزه ازدواج، سلامت روانی و جسمی، میزان تعهد زوجین به یکدیگر، میزان رضایت از رابطه جنسی، میزان توانمندی زوجین در نقش‌پذیری، عوامل عاطفی، رفتاری و شخصیتی زوجین، توافق بر سر تربیت فرزندان و نحوه برقراری رابطه با آنها بود. درک و شناسایی عوامل موثر بر رضایت زناشویی در زوجین خانواده‌ناتنی ایرانی، می‌تواند به عنوان الگو و مسیری برای زوج‌ها به ویژه زوجین در شرف ازدواج مجدد قلمداد شده و سرانجام به سلامت جامعه کمک کند.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، زوجین خانواده‌ناتنی، داده‌بنیاد.

پیوند زناشویی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین انواع روابط انسانی واجد چنان توان بالقوه‌ای در آزادسازی احساسات است که در کمتر روابط بین فردی دیگر می‌توان نظیر آن را یافت (میرمحمدرضایی و ساروخانی، ۱۳۹۸). تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد مردان و زنان دنیا لاقلاً در مقطعی از زندگی خود ازدواج می‌کنند (پاینی^۱، ۲۰۱۹). زوج‌ها، پس از ازدواج و آغاز زندگی مشترک بنا به دلایل گوناگون دچار تعارضات زناشویی و مشکلاتی می‌شوند. گاه زوجین در تقابل با مشکلات با همکاری یکدیگر از این موانع عبور می‌کنند. در مواردی نیز ممکن است دامنه اختلافات به کیفیت روابط زوج صدمه بزند و در نهایت منجر به طلاق^۲ و جدایی آنها از یکدیگر شود (منتظری، ۱۴۰۱). بعد از طلاق، بسیاری از زوجین ازدواج مجدد می‌کنند. به خصوص اینکه در سنین پایین و اوایل جوانی هستند، این زوجین معمولاً فرزندی ندارند. اما، زوج‌هایی که بعد از چندین سال زندگی مشترک و طلاق، ازدواج مجدد می‌کنند، ممکن است یک یا چند فرزند از ازدواج اول خود داشته باشند که با آنها زندگی خواهند کرد (میرمحمدرضایی و ساروخانی، ۱۳۹۸).

براین اساس، با ازدواج مجدد زوج‌هایی که دارای فرزند بیولوژیکی از رابطه قبلی هستند، خانواده‌ناتنی^۳ شکل می‌گیرد که باعث ایجاد خانواده‌هایی با ساختارهای جدید و پیچیده می‌شود (یکله و همکاران، ۱۳۹۷). خانواده‌های ناتنی به خانواده‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها یک یا چند نفر از اعضای خانواده ناتنی می‌باشند (مانند پدر، مادر، خواهر و برادر ناتنی) (شوایزر^۴، ۲۰۲۰). براین اساس، ازدواج دوباره زمانی چالش بزرگی خواهد بود که یکی از طرفین یا هر دو دارای فرزند باشند. در این صورت عوامل مختلف فرهنگی، اقتصادی، سنت و عقاید و عوامل دیگری برای آنان چالش‌زا خواهد بود (پاینی، ۲۰۱۹). ازدواج مجدد یعنی اینکه زوج یا زوجه در اثر هر عاملی از همسر خود جدا شده و قطع ارتباط کرده و دوباره با فرد دیگری ازدواج نماید، یا اینکه با وجود همسر اول دوباره با دختر یا زن دیگر ازدواج کند (رینس و سیلور^۵، ۲۰۱۵). ازدواج مجدد با توجه به ساختار متفاوت با ازدواج‌های عادی دارای چالش‌های گوناگونی است که حضور فرزندان وجود این چالش‌ها را پیچیده‌تر می‌کند. با توجه به جنسیت و فرهنگ ممکن است هر کدام از زوجین تجارب متفاوتی از چالش‌های ازدواج مجدد داشته باشند (شوایزر، ۲۰۲۰).

دوباره والدینی و ازدواج مجدد چالش‌های مهمی برای خانواده‌ها و متخصصانی است که با آنها درگیر هستند. ازدواج مجدد همانند طلاق تنها یک اتفاق نیست بلکه فرایندی از وقایع است و طی یک حالت انتقالی ورود به این ازدواج‌ها صورت می‌گیرد. به دلیل وضعیت پیچیده ازدواج‌های مجدد، روان‌شناسان و خانواده درمانگران پیشنهاد می‌کنند که ازدواج مجدد بیش از ازدواج اول نیاز به آماده‌سازی پیش از ازدواج دارد (رالی و سیونی^۶، ۲۰۲۰). با این حال زوجین در ازدواج مجدد کمتر در صدد آماده‌سازی پیش از ازدواج برمی‌آیند. افزایش پیچیدگی ساختاری خانواده‌های ناتنی منجر به ایجاد مرزها و هنجارهای اجتماعی مبهم می‌شود که می‌تواند منجر به افزایش سطح استرس، ابهام نقش شرکا و رضایت زناشویی کمتر در زندگی زوجین شود (گانوگ^۷ و همکاران، ۲۰۱۶؛ گانوک و همکاران، ۲۰۱۹). با این حال رضایت‌مندی زناشویی^۸ را نمی‌توان صرفاً براساس فشارهای روانی بیرونی تبیین کرد؛ زیرا تمامی ازدواج‌ها دست کم با چند فشار روانی مواجه هستند (کارنی و باردوری^۹، ۲۰۲۰). در بسیاری از خانواده‌ها، فقر، تعدد فرزندان و بیماری وجود داشته، اما در عین حال، موفق هستند و بسیاری از ازدواج‌هایی که هیچ کدام از این موارد در آنها وجود نداشته، به شکست منتهی شده است (پارک و پارک^{۱۰}، ۲۰۱۹). اگرچه تغییراتی در خانواده هسته‌ای با اضافه شدن ارقام والدین غیر بیولوژیکی ثبت شده است، اما مطالعات به طور کلی هنوز نتوانسته‌اند تنوع و پیچیدگی ساختاری خانواده‌های ناتنی مدرن را کشف کنند (فالکو لارسون^{۱۱}، ۲۰۰۷). درباره آنچه باعث ثبات و رضایت خانواده‌های ناتنی می‌شود، تحقیقات کافی انجام نشده است و شکاف قابل توجهی در تحقیقات دیده می‌شود که به عنوان خلاء پژوهشی، باید مورد توجه قرار گیرد.

خانواده‌های ناتنی با چالش‌های منحصر به فردی از جمله فقدان هنجارها و سابقه دلبستگی، آمادگی محدود، مرزهای باز و وفاداری‌های متفاوت روبرو هستند (میران‌خان^{۱۲}، ۲۰۱۷) و ماهیت موانع و مشکلاتی که این خانواده‌ها با آن روبرو هستند، مختص آنهاست. با این حال، راهبردهای پیشنهادی برای کمک به اغلب آنها ناشی از روش‌های مورد استفاده برای خانواده عادی (غیرخانواده‌های ناتنی) است (گانوگ

1. Payne
2. divorce
3. Setp family
4. Schweizer
5. Riness & Sailor
6. Raley & Sweeney
7. Ganong, Coleman & Jamison
8. marital satisfaction
9. Karney & Bradbury
10. Park & Park
11. falk & Larson
12. Miran khan

و همکاران، ۲۰۱۸). اما، به دلیل افزایش تعداد خانواده‌های ناتنی، این الگوها کمتر کارایی دارد (کومار^۱، ۲۰۱۷؛ گانوک و همکاران، ۲۰۱۹). در این خانواده‌های ناتنی اغلب کودکان یا نوجوانان تا مدت‌ها نمی‌توانند با والد ناتنی خود سازگار شوند و با آن‌ها بد اخلاقی می‌کنند. خیلی از آنها نسبت به پدر یا مادر واقعی خود کینه به دل می‌گیرند، چرا که تصور می‌کنند شخص دیگری را به جای مادر یا پدرشان جایگزین کرده‌اند (اندرسون و گرین^۲، ۲۰۱۳). در این زمان مشکلات و چالش‌های فرزندپروری سخت‌تر می‌شود، که این مشکلات، رضایت زناشویی این خانواده‌ها را به شدت تأثیر قرار می‌دهد (میرمحمدرضایی و ساروخانی، ۱۳۹۸).

به نظر می‌آید با توجه به ساختار اجتماعی پیچیده در ایران، زوجین خانواده ناتنی، اشکال متفاوتی از مشکلات را تجربه می‌کنند و عدم آگاهی نسبت به اقدامات لازم برای تثبیت خانواده می‌تواند باعث اختلال در این خانواده‌ها شود (یکله و همکاران، ۱۳۹۷). لذا، شناسایی و آگاهی از مسائل و مشکلاتی که زوجین خانواده ناتنی با آن مواجه هستند، بطور ویژه باید مورد بررسی قرار گیرد. به ویژه اینکه، با بررسی پایگاه‌های علمی مرتبط، می‌توان بیان کرد که در داخل کشور تاکنون پژوهشی در زمینه خانواده‌های ناتنی صورت نگرفته است و این در حالی است که طی سال‌های اخیر با افزایش میزان طلاق (حاجی‌پهلوان و همکاران، ۱۴۰۰)، آمار ازدواج مجدد و تشکیل خانواده‌های ناتنی نیز افزایش یافته است، لذا بررسی ساختار و مشکلات متفاوت آنها در مقایسه با خانواده‌های هسته‌ای، مسأله مهم است.

با توجه به تفاوت‌های فرهنگی در امر ازدواج و طلاق و اهمیت این مسئله در جامعه امروز ایران، همچنین از آنجایی که تا به امروز مسائل و نیازهای این گروه از افراد مورد شناسایی و بررسی قرار نگرفته است، لزوم انجام این پژوهش در کشور کامل احساس می‌شود و این مطالعه می‌تواند به عنوان نقطه آغازی در این حوزه محسوب شود. به خصوص اینکه انجام پژوهش حاضر به روش داده‌بنیاد، موجب شناسایی عمیق‌تر جنبه‌های یک موضوع می‌گردد. در واقع استفاده از روش داده‌بنیاد این امکان را فراهم می‌کند که برای دستیابی به شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه که پیش از این در خصوص آن‌ها تحقیق جامعی نشده است، به جای تکیه بر نظریه‌های موجود، خود تئوری و گزاره‌ای را تدوین کنند (محمدپور، ۱۳۹۲). بعلاوه با توجه به اهمیت موضوع خانواده در ایران، مهمترین کاربرد نتایج این پژوهش در ارائه خدمات مشاوره پیش از ازدواج برای زوجین در حال ازدواج مجدد است. این مطالعه را همچنین می‌توان طلیعه‌ای دانست برای تحقیقات بیشتر پژوهشگرانی که قصد بررسی ساختارهای خانواده‌های ناتنی را دارند. لذا، براساس آنچه بیان شد، مطالعه حاضر به منظور شناسایی عوامل موثر بر رضایت زناشویی در زوجین خانواده‌های ناتنی ایرانی با روش داده‌بنیاد صورت گرفت.

روش

روش انجام پژوهش حاضر بر اساس رویکردهای پژوهش کیفی از نوع داده بنیاد است. جامعه آماری پژوهش در برگزیده کلیه زوجین خانواده‌های ناتنی ساکن شهر مشهد در سال ۱۴۰۰ بودند. در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند (با انتخاب داوطلبانه) استفاده شد. نمونه‌گیری از زوجین در این پژوهش تا زمانی ادامه داشت که فرایند اکتشاف و تحلیل به نقطه اشباع نظری^۳ رسید. پژوهشگر بعد از مصاحبه با ۲۱ زوج (۴۲ نفر) که شرایط شرکت در مصاحبه را داشتند به این اشباع رسید. لذا نمونه آماری مورد مطالعه شامل ۲۱ زوج بود. در تحقیق حاضر، مصاحبه‌ها بصورت حضوری با یادداشت‌برداری و نیز ضبط شده (با کسب اجازه از مصاحبه شونده‌گان) انجام شد. میانگین و انحراف معیار زمان مصاحبه‌ها برابر $۵۳/۲۷ \pm ۶/۳۱$ بود. افراد نمونه پژوهشگر با اطلاع رسانی از طریق فضای مجازی (برنامه‌های اینستاگرام، تلگرام، واتساپ و سایر برنامه‌های فضای مجازی) دعوت به مصاحبه شدند. مکان مصاحبه یکی از مراکز مشاوره شهر مشهد انتخاب شد. شرایط ورود به مصاحبه شامل داشتن تحصیلات حداقل سیکل، تمایل به مصاحبه و همکاری در پژوهش، ازدواج مجدد هر دو زوج، داشتن حداقل یک فرزند از ازدواج قبلی (حداقل یکی از زوجین) و تابعیت ایرانی داشتن بود. ملاک خروج از پژوهش در مطالعه حاضر داشتن اختلاف زناشویی و اقدام به طلاق یکی از زوجین و عدم تمایل به ادامه روند مصاحبه بود. همچنین اصول اخلاقی رعایت شده در این پژوهش عبارتند از: پیش از آغاز کار، رضایت مشارکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش به صورت شفاهی و سپس کتبی برای مصاحبه جلب شد. اجباری برای شرکت در پژوهش وجود نداشت. پیش از آغاز کار مشارکت‌کنندگان از موضوع پژوهش، ضرورت‌ها و اهداف پژوهشگر در انتخاب و پیگیری چنین موضوعی و همچنین روش اجرای مصاحبه و پژوهش به صورت کلی مطلع شدند. در نهایت زمانی که مصاحبه شونده‌گان شرایط مصاحبه را پذیرفتند، مصاحبه به صورت حضوری یا در برخی موارد تلفنی انجام شد. مشارکت‌کنندگان حق انصراف و خروج از پژوهش را داشتند. به این صورت که در آغاز کار پژوهش و قبل از انجام مصاحبه به آنها گفته شد که در هر مرحله از پژوهش حق انصراف از پژوهش را دارند و هیچ‌گونه اجباری برای ادامه‌ی همکاری با پژوهشگر وجود ندارد. به تمامی مشارکت‌کنندگان اطمینان داده

1. Kumar

2. Anderson & Green

3 Theoretical Saturation

شد که از اطلاعات شخصی آنها محرمانه است و هویت آنها تحت هیچ شرایطی آشکار نمی‌شود. از مشارکت کنندگان جهت ضبط صدای آنها و یادداشت برداری در حین مصاحبه اجازه گرفته شد.

با وجود ثبت اطلاعات در پروتکل‌ها بلافاصله بعد از پایان مصاحبه یا مشاهده بازنگری در متن صورت می‌گرفت و یادداشت‌هایی که لازم بود، گذاشته می‌شد. مصاحبه‌های ضبط شده هم عموماً همان روز پیاده و تبدیل به متن شدند و مشخصات زمان و مکان مصاحبه و مدت آن و نیز کد مربوط به مشارکت کننده به متن پیاده شده اضافه گردید. همچنین این پژوهش با تاکید بر رویکرد نظریه داده بنیاد^۱ انجام شد. در نظریه داده بنیاد یک رابطه میان داده و پژوهشگر وجود دارد و پی‌بردن به نظریه از میان داده‌ها هنر محقق است (هومن، ۱۳۹۴). فرایند اصلی در تکنیک نظریه داده بنیاد، به عنوان روش تحلیل اطلاعات، فرایند کدگذاری و طبقه‌بندی از داده‌های خام و استخراج مفاهیم و مقولات اصلی و روابط بین آنها در چارچوب یک نظریه محقق ساخته است (کوهن، منیون و موریسون^۲، ۲۰۰۷). در این روش جهت تحلیل اطلاعات از سه شیوه کدگذاری استفاده می‌شود که عبارتند از: کدگذاری باز^۳؛ کدگذاری محوری^۴؛ کدگذاری انتخابی^۵ (محمدپور، ۱۳۹۲). در این پژوهش حاضر نیز ابتدا به کدگذاری باز، سپس محوری و در نهایت به کدگذاری انتخابی پرداخته شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAX QDA و نرم‌افزار SPSS، برای تعیین ضریب کاپا^۶ بهره گرفته شد.

بعلاوه از نظر کرسول^۷ (۲۰۰۷) پژوهشگران کیفی به منظور افزایش اعتبار پژوهش‌های خود باید در هر پژوهش حداقل از دو راهبرد استفاده کنند. جهت اطمینان از روایی پژوهش اقدامات ذیل انجام شد: (۱) اعتبارپذیری^۸؛ در این تحقیق، این معیار با توضیح هدف مصاحبه و پدیده محوری برای مصاحبه شونده‌گان، مصاحبه آزمایشی به منظور کامل کردن سؤالات جهت فهم بیشتر، انجام کامل پژوهش تا اشباع داده‌ها، ارائه داده‌ها به مشارکت کنندگان و نظرخواهی از آنان و تخصیص زمان کافی برای انجام مصاحبه‌ها و همچنین انجام کدگذاری توسط چند نفر صورت گرفت. (۲) انتقال‌پذیری^۹؛ در این پژوهش سعی شد که شرایط پژوهش و انتخاب شرکت کنندگان به دقت انتخاب شود تا بتوان داده‌های به دست آمده را به جامعه مورد نظر انتقال داد. (۳) مشارکتی بودن پژوهش: جهت افزایش روایی پژوهش از مشارکت کنندگان (به خصوص ۴ نفر از کسانی که تحصیلات عالی داشتند) در کدگذاری، تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. همچنین از ارزیابی ضریب کاپا کوهن^{۱۰} به منظور پایایی پژوهش کیفی انجام شد.

یافته‌ها

جدول (۱) میزان توافق افراد مصاحبه‌شونده براساس ۱۶ فایل مصاحبه با استفاده از ضریب کاپا را نشان می‌دهد. مقدار به‌دست‌آمده برای شاخص کاپا برابر ۰/۷۵۲ با انحراف معیار برآوردی ۰/۳۲۵ است. با توجه به میزان کسب شده ($t=6/559, P<0/01$) می‌توان بیان کرد که آزمون توافق براساس ضریب کاپا در سطح بسیار قابل قبولی (سطح قابل قبول $t=6/559$) قرار دارد.

جدول ۱. آزمون توافق کدگذاری میان پژوهشگر و یکی از خبرگان بر روی یکی از متون

آزمون	مقدار	انحراف معیار برآوردی ^a	برآورد ^b T	معناداری برآورد (Sig)
Kappa	۰/۷۵۲	۰/۳۲۵	۶/۵۵۶	۰/۰۰۴**

براساس یافته‌های پژوهش میانگین و انحراف معیار گروه سنی بانوان $36/33 \pm 6/28$ و آقایان برابر $41/02 \pm 4/78$ بود. از بین بانوان مورد مصاحبه ۶۱/۹۰ درصد (۱۳ نفر) و آقایان ۴۷/۶۱ درصد (۱۰ نفر) به طور مشترک با بیشترین فراوانی دارای تحصیلات کارشناسی بودند. همچنین ۱۹/۰۵ درصد افراد مورد مصاحبه از ازدواج مجددشان دارای فرزند بودند (جنسیت همه فرزندان مشترک دختر بود). از بین آقایان مورد مصاحبه ۴۲/۸۵ درصد (۹ نفر) دارای شغل دولتی بودند. همچنین از بین بانوان ۴۷/۱۶ درصد (۱۰ نفر) خانه‌دار بودند. از

1. Grounded Theory
2. Cohen, Manion & Morrison
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding
6. kappa coefficient
7. Creswell
8. Credibility
9. Transferability
10. Cohen's kappa coefficient

بین آقایان مورد مصاحبه ۱۹/۰۵ درصد (۴ نفر) و از بین بانوان ۴۲/۸۵ درصد (۹ نفر) از ازدواج قبلی خود فرزندی نداشتند. در ادامه تمام عوامل استخراج‌شده از فایل‌های مصاحبه به‌عنوان کد در نظر گرفته شد و سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از کدها، آن‌ها در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی گردید در جدول زیر خروجی کدگذاری انتخابی شده است (جدول ۲).

الف. کدگذاری باز: در مرحله‌ی اول، هر یک از مصاحبه‌ها به واحدهای کوچکتر تجزیه شد و هر جزء یک کد اولیه نام گرفت. با بررسی کدهای اولیه بدست آمده مشخص شد که برخی از این کدها به موضوع‌های مشترکی اشاره دارند و بنابراین می‌توانند یک برجسب مشترک دریافت کنند. بدین ترتیب، اجزایی از مصاحبه‌ها که بار معنایی مشترکی داشتند، در کنار یکدیگر قرار گرفتند و یک کد ثانویه را تشکیل دادند. در مرحله بعد، براساس مشابهت و ارتباط مفهومی بین کدهای ثانویه، مفاهیم استخراج شدند که در ادامه مقوله‌های شناسایی شده ارائه شده است (جدول ۲)

جدول ۲. کدهای استخراج شده ثانویه در مصاحبه‌های صورت گرفته

شماره مصاحبه	بخشی از متن مصاحبه کداولیه	کدهای استخراج شده ثانویه
مصاحبه ۱	من هم برای اینکه دیگه مزاحم پدر و مادرم نشم ازدواج کردم	ازدواج با نیت سربار نبودن برای والدین
مصاحبه ۲	الان بچه‌ها چه کاری باید انجام بدهند من چی؟	تقسیم کار
مصاحبه ۳	آمادگی ازدواج مجدد رو در خودم می‌دیدم خیلی خلاء عاطفی داشتم	بدست آوردن آرامش و آسایش و رهایی از بلا تکلیفی رفع نیازهای عاطفی
مصاحبه ۳	هر کدوم یه نظری می‌دادیم من می‌گفتم بچه‌ها باید درس بخونن و با بچه‌های کوچ‌تری نکنند. اون می‌گفت این حرف‌ها چیه؟	تربیت فرزندان
مصاحبه ۴	دیگه مامان بزرگ و بابابزرگش خسته شده بودن توانایی نگهداری بچه‌های منو نداشتن ولی بیچاره‌ها هیچی نمی‌گفتند.	ازدواج با نیت سربار نبودن برای والدین
مصاحبه ۹	یک‌نفری بار مسئولیت رو به دوش کشیده	رها شدن از بار سنگین مسئولیت زیاد
مصاحبه ۱۰	رابطه عاشقانه می‌خواستم	دوست و علاقه داشتن و رابطه عاشقانه
مصاحبه ۱۰	خانواده شوهر درجه اول هستند	مشکل خانواده همسر و دخالت‌های خانوادگی، مهیا نبودن شرایط برقراری ارتباط عاطفی به دلیل حضور فرزندان
مصاحبه ۱۲	دخالت همسر اول در زندگی مشترک	مشکل خانواده همسر و دخالت‌های خانوادگی
مصاحبه ۱۲	وقتی بحثمون میشه من را آرام می‌کنه داد نمی‌زنه	حل مساله و تعارض

در فرآیند مقایسه کدهای ثانویه و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آنها مشخص شد که کدهای ارتباط مفهومی مناسبی دارند. بنابراین در مرحله سوم از به هم پیوستن کدهای ثانویه، مفهومی مانند "احساس تنهایی" پدید آمد. نحوه‌ی پدیدآیی سایر مفاهیم نیز به همین ترتیب بوده است. در مرحله چهارم، فرآیند مقایسه در سطحی انتزاعی‌تر ادامه یافت و از کنار هم گرفتن مفاهیمی مثل احساس تنهایی، سخت بودن فرزندپروری به تنهایی و بالا رفتن سن در کنار هم، مقوله "انگیزه ازدواج مجدد" حاصل شد. در مرحله آخر، با مقایسه‌ی مقوله‌های استخراج شده، مشخص شد که مقوله‌های انگیزه ازدواج مجدد، ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های رفتاری، سلامت جسمانی و روانی با شاخص ویژگی‌های فردی همسران در ارتباط است و بنابراین می‌توانند در کنار یکدیگر قرار گیرند و طبقه "شاخص‌های فردی" را تشکیل دهند. به طور کلی، با ادامه این روند در پایان مرحله کدگذاری باز، تجزیه و تحلیل‌ها منجر به شناسایی مقوله‌های اصلی شد. در ادامه مقوله‌ها و مفاهیم شناسایی شده ارائه شده است (جدول ۳)

جدول ۳. مقولات و مفاهیم شناسایی شده در مصاحبه‌های صورت گرفته از طریق کدگذاری انتخابی

مقولات	مفاهیم	عبارت استخراج شده از متن مصاحبه	فراوانی کد گذاری شده
	رفع مشکلات خانوادگی-	داشتن محلی برای اسکان	۲
	تربیت فرزندان	فرار از برجسب اجتماعی برای بچه‌ها	۳

۵	رها شدن از بار سنگین مسئولیت زیاد		پیامد
۴	رهایی از مشکلات اجتماعی		خانوادگی (خانواده- ناتنی)
۱۰	سر وسامان گرفتن بچه‌ها		
۱۱	توافق تربیت فرزندان		
۸	بدست آوردن آرامش و آسایش و رهایی از بلا تکلیفی		
۲	تلاش در جلوگیری اتفاقات گذشته		
۳	تنها نبودن در شرایط زندگی		
۲	درآمدن از وضعیت مجردی		
۸	فرار از استیگمای اجتماعی		
۱	مشکلات و مسائل اقتصادی و مالی	رفع مشکلات فردی	پیامدهای فردی
۱	مشکلات مربوط به اسکان		
۷	توافق بر نوع خرج کردن	رفع مشکلات مالی و اقتصادی	
۸	توافق بر سر پول خرجی بچه‌ها	مدیریت مالی	شرایط اقتصادی
۶	توافق خرجی همسر		
۴	خوب بودن وضعیت مالی آقا		
۸	از پس مخارج بر می‌آید		
۱۰	رضایت نسبی از مسایل اقتصادی		
۲	تنوع طلبی		
۲	تربیت خانودگی همسر		
۵	ارتباط تلفنی آقا با خانم قبلی کنترل شده		
۲	ایجاد سوء تفاهم و اختلاف بین مادر فرزند همسر دوم و شوهر	مسایل مربوط به همسر قبلی	
۳	درباره مسایل زندگی گذشته فقط یکبار صحبت کردیم		
۵	اجازه ندادن به همسر که مسایل گذشته را تعریف کنه	مسایل مربوط به خانواده همسر	عوامل فراخانوادگی
۴	ارتباط بچه‌ها با والد اصلی		
۲	حمایت از من در مقابل خانواده همسر	مسایل شبکه اجتماعی	
۳	تایید شدن توسط دیگران		
۳	تحمل شنیدن تیکه‌های اطرافیان		
۱	مخالفت خانواده همسر از حضور من		
۸	مدیریت مشکلات با همسر قبلی به کمک هم		
۴	مقایسه با زندگی گذشته الان بهتره		
۵	توافق بر برنامه زندگی		
۲	توافق بر سر حل مشکلات	تعاون و همکاری	عوامل مشارکتی
۴	کمک به کارهای منزل		
۵	رسیدگی به وضعیت بچه‌ها		
۲	به اشتراک گذاشتن وسایل خانه و فردی		
۳	ارتباط قوی و خوب با خانواده همسر	انتقادپذیری	
۶	احترام فرزند همسر دوم به زوج و زوجه	بخشش	
۴	وقت مناسب برای ارتباط برقرار کردن و بازی با بچه‌ها	خودمهارگری	مهارت‌های ارتباطی
۲	وقت برای صحبت درباره کارهای هر روز با همسر	صبر و شکیبایی	

۵	درک کردن نگرانی‌های همدیگر	هدفمندی	
۸	همدلی	تفکر منطقی	
۱۰	ارتباط خوشایند زوجین باهم	قدردانی	
۷	فرار از تکرار وقایع ناخوشایند گذشته	حل تعارض	
۴	توانایی حل مسئله منطقی	حل مسئله	
۱۰	پذیرش اشتباهات و واقعیت‌ها	صمیمیت	
۵	معذرت خواهی		
۸	تحمل بالا		
۵	تلاش برای رضایت طرف مقابل		
۲	آشنا بودن با نقاط قوت و ضعف هم		
۳	تجربه زندگی قبلی		
۳	سوپرایز برای بچه‌ها		
۶	شنونده فعال		
۴	توانایی درک و پذیرش انتقاد		
۹	تشکر و قدردانی - هدیه دادن		
۵	مراسم‌های جشن		
۸	برنامه‌ریزی هر روزه		
۵	مشخص کردن خط قرمزها و حساسیت‌ها		
۷	برنامه‌ریزی برای تربیت بچه‌ها		
۳	قانونمندی رفت و آمد		
۶	مشخص بودن حیطه زن و شوهری	هدفمندی	قانونمندی زندگی
۲	قانون کار کردن در منزل	مدیریت زندگی	
۸	مشخص کردن مسئولیت‌ها		
۳	تفریح		
۴	هیچگاه حرف از طلاق نزنیم		
۲	گذشته همدیگر رو تو سر هم نکوییم		
۴	رضایت از رابطه جنسی از طرف خانم		
۷	رضایت از رابطه جنسی از طرف آقا	رابطه جنسی	رضایت جنسی
۳	هیجان انگیز بودن رابطه		
۵	هر دو نسبتا سرد هستیم		
۳	فشارکاری بچه‌ها		
۱۰	توجه به زندگی اجتماعی/ زناشویی		
۱۰	مسئولیت پذیری مرد		
۸	مسئولیت پذیری زن	مسئولیت پذیری	نقش پذیری
۶	نقش والد ناتنی - توجه به بچه‌ها	مرزبندی	
۳	ایفای نقش زنانگی از سوی همسر		
۸	برقراری توازن و تعادل درباره زندگی		
۹	مسئولیت پذیری از طرف شوهر		

Identifying factors affecting marital satisfaction in Iranian unmarried couple: A grounded theory research

۵	آرام بودن و آرامش دادن		
۴	مستقل بودن		
۳	دهن‌بین نبودن		
۴	واکنش هیجانی به موقع		
۹	انعطاف‌پذیری	استقلال فردی	
۸	تمام تلاش برای نگه داشتن زندگی	ارتباط متقابل	
۱۱	ترس از شکست مجدد		ویژگی‌های رفتاری
۶	احترام گذاشتن به همدیگر	سازگاری رفتاری	
۵	خنده‌رو و شوخ طبع	مهارت رفتاری	
۴	فعال بودن		
۵	عدم فرق گذاشتن		
۳	اهل کار و فعالیت		
۹	جبران نقص‌های گذشته		
۳	بسیار با شخصیت و آرام است		
۱	غیرتی بودن او را دوست نداشتم		
۶	داشتن نظر مثبت به زندگی		
۳	انعطاف‌پذیری		
۱	با هوش بودن	درونگرا	
۳	صبور		ویژگی‌های شخصیتی
۴	تحمل سختی‌ها	برونگرا	
۳	برونگرا و فعال - شوخ طبع		
۱	درونگرا		
۳	هر دو هیجانی هستیم		

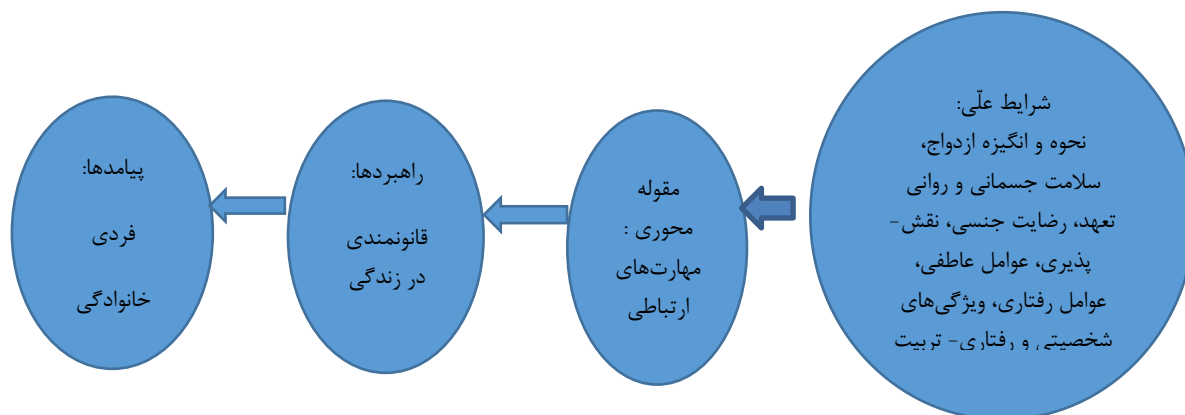
براساس جدول شماره ۳ بعد از انجام کدگذاری ۱۱ مقوله اصلی شناسایی شد که شامل پیامد خانوادگی (خانواده‌ناتنی)، پیامدهای فردی، شرایط اقتصادی، عوامل فراخانوادگی، عوامل مشارکتی، مهارت‌های ارتباطی، قانونمندی زندگی، رضایت جنسی، نقش‌پذیری، ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی بود. در ادامه مقولات و مفاهیم شناسایی شده از طریق کدگذاری محوری ارائه شده است (جدول ۴).

جدول ۴. مقولات و مفاهیم شناسایی شده در مصاحبه‌های صورت گرفته از طریق کدگذاری محوری

طبقات	مقولات
شاخص‌های فردی	انگیزه ازدواج - سلامت جسمی و روانی - ویژگی‌های رفتاری - ویژگی‌های شخصیتی - پیامدهای فردی
شاخص‌های زوجی	رابطه جنسی - متعهد بودن - مهارت‌های ارتباطی - رابطه عاطفی - رفتارهای تنش‌زا - عوامل مشارکتی
شاخص‌های خانوادگی	قانونمندی زندگی - نقش‌پذیری - شرایط زندگی - پیامدهای خانوادگی - توافق بر سر تربیت فرزندان
شاخص‌های فراخانوادگی	عوامل مربوط به زندگی گذشته زوجین عوامل خانوادگی خارج از خانواده‌ناتنی - عوامل اقتصادی

در مرحله‌ی آخر، با مقایسه مقوله‌های استخراج شده، مشخص شد که مقوله‌های انگیزه ازدواج مجدد، ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری، سلامت جسمانی و روانی با شاخص ویژگی‌های فردی همسران مرتبط بوده و می‌توانند در کنار یکدیگر قرار گیرند و طبقه "شاخص‌های فردی" را تشکیل دهند. دومین طبقه شاخص‌های زوجی است که شامل رابطه جنسی، متعهد بودن، مهارت‌های ارتباطی، روابط عاطفی، عوامل رفتاری و عوامل مشارکتی می‌باشد. طبقه سوم شاخص‌های خانوادگی است که شامل قانونمندی زندگی، نقش‌پذیری، شرایط زندگی،

پیامدهای خانوادگی و تربیت فرزندان می‌باشد. چهارمین طبقه شاخص‌های فراخانوادگی است که عوامل مربوط به زندگی گذشته زوجین، عوامل خانوادگی خارج از خانواده‌ناتنی و عوامل مالی را دربر می‌گیرد. در مرحله کدگذاری انتخابی تلاش شد مقوله محوری، مفاهیم پدید آمده در مراحل پیشین را پوشش دهد. در نهایت مدل پارادایمی رضایت زناشویی زوجین خانواده‌ناتنی حول محور پدیده ارتباط زناشویی به صورت زیر پدید آمد (شکل ۱):



شکل ۱: مدل پارادایمی رضایت زناشویی با محوریت مهارت‌های ارتباطی

همانطور که مدل مذکور نشان می‌دهد مقوله مهارت‌های ارتباطی محور پدیده رضایت زناشویی در زوجین خانواده‌ناتنی است. این مقوله به ویژگی‌های همچون صمیمیت، قردانی، حل مسئله‌حل، تعارض، طرز تفکر منطقی، هدفمندی، صبر و شکیبایی، مهارت خودمهارگری و انتقادپذیری اشاره دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل موثر بر رضایت زناشویی در زوجین خانواده‌ناتنی ایرانی: یک پژوهش داده‌بنیاد انجام شد. در این مطالعه ۱۱ مقوله اصلی شناسایی شد که شامل پیامد خانوادگی (خانواده‌ناتنی)، پیامدهای فردی، شرایط اقتصادی، عوامل فراخانوادگی، عوامل مشارکتی، مهارت‌های ارتباطی، قانونمندی زندگی، رضایت جنسی، نقش‌پذیری، نیازهای مالی و اقتصادی، ویژگی‌های رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی بود که در ادامه به تبیین نقش هر یک از این آیتم‌ها پرداخته می‌شود:

"رضایت جنسی": با توجه به مصاحبه‌های بدست آمده از زوجین، رضایت زناشویی تحت تاثیر رضایت جنسی می‌باشد، به طوری که وقتی رابطه جنسی بخوبی انجام شود، صمیمیت و نشاط بیشتری بین زوجین احساس می‌شود. بعلاوه وجود ارتباط جنسی مناسب می‌تواند موجب احساس تعلق بیشتر به یکدیگر در زوجین و به تبع آن افزایش رضایت جنسی گردد، که با مطالعه براون^۱ و همکاران (۲۰۱۵) و خای^۲ و همکاران (۲۰۱۸) که تاثیر مثبت رابطه جنسی را بر رضایت زناشویی نشان دادند، همسو بود.

"نحوه و انگیزه ازدواج": از آنجایی که ازدواج مجدد انتخابی سخت‌تر از ازدواج اول می‌باشد، افراد ترس از تکرار اتفاقات ناخوشایند در زندگی قبلی خود را دارند و همچنین وجود یک یا چندفرزند که از زندگی قبلی با خود به همراه دارند، بسیار حساس‌تر و مشکل‌تر است. زیرا در ازدواج اول فرد فقط به خوشبختی و نیازهای خود می‌اندیشد، اما در ازدواج مجدد به نیازهای فرزندان هم باید توجه داشته باشد. از طرفی چالش‌های فرزندپروری و درگیر کردن خانواده‌های اصلی و کمک گرفتن از آنها برای نگهداری و مراقبت از بچه‌ها و چندتربیتی شدن آنها فشارهای روانی زیادی در بر دارد. بعلاوه احساس تنهایی، نیاز به همدم و حس دوست داشته شدن و برقراری رابطه با جنس مخالف نیز از مسائل دیگری است که زوجین در انگیزه ازدواج خود مطرح نمودند. هم‌سطحی از لحاظ اقتصادی، تحصیلات و عاطفی هم

1. Brown
 2. Xie

جزئی از انگیزه‌های ازدواج می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش فرنچ و ملترز^۱ (۲۰۱۹) که منافع اجتماعی و مالی را در ازدواج مهم می‌دانند مرتبط بود. همچنین با پژوهش یکله و همکاران (۱۳۹۷) که میزان آمادگی برای ازدواج مجدد را بر کیفیت رابطه زوجین موثر گزارش کردند، همخوانی داشت. همچنین تراورس^۲ (۲۰۲۱) نیز نشان داد که عدم آمادگی برای ازدواج، انتقال و فرزندپروری از بزرگترین مشکلات خانواده‌های ناتنی است که موجب چالش و ناراضی‌تای زوجین می‌گردد.

"سلامت جسمی و روانی": سلامت جسمی و روانی از مسائلی است که در پژوهش‌های متفاوتی به آن اشاره شده است و آن را نتیجه رضایت زناشویی می‌دانند. همچنان که در پژوهش‌های فرنچ و ملترز (۲۰۱۹) و سوسان و رابرت^۳ (۲۰۱۴) نیز بیان شده است. بعلاوه در پژوهشی آندرسون و گریبن (۲۰۱۳) بیان کرد که انحلال رابطه منجر به خطرات قابل توجه سلامتی می‌شود. اما آن چه در پژوهش حاضر مشاهده گردید برعکس این نتایج است. یعنی داشتن سلامت جسمی و روانی عاملی است که بر افزایش میزان رضایت زناشویی موثر است. بعلاوه یک احتمال دیگر این است که این دو عامل اثرات متقابل بر هم داشته باشند. یعنی همان‌طور که سلامت جسمی و روانی بر رضایت زناشویی تاثیرگذار است، به همان ترتیب نیز رضایت زناشویی می‌تواند بر سلامت روحی و روانی موثر باشد.

"تعهد": براساس آنچه از مصاحبه‌ها استنباط گردید، تعهد تاثیر بسزایی بر رضایت زوجی خانواده‌ناتنی داشت. نتایج مطالعات چندی نیز بر نقش این متغیر در رضایت زناشویی اشاره کرده‌اند (گیورتز^۴ و همکاران، ۲۰۱۵؛ کاظمی و زنگنه، ۲۰۲۰). گیورتز و همکاران (۲۰۱۵) بر این عقیده‌اند که عاشق شدن و ساخت یک رابطه، بسیار آسان‌تر از حفظ و نگهداری رابطه عاشقانه است و دستیابی به درجه بالایی از رضایت در یک رابطه عاشقانه بلندمدت مانند ازدواج، مستلزم تعهد از جانب زوجین است. در واقع، ارتباط بین تعهد و رضایت در ازدواج تابع این امر است که تا چه میزان یک زوج آموخته است که به نفع رابطه، خود را با دیگری سازگار کرده و انطباق دهد (گیورتز و همکاران، ۲۰۱۵). به عبارتی زوجین برای حمایت از رابطه خود، هویت زوجی را حاکم بر هویت فردی می‌دانستند. در پژوهش حاضر زوجین به داشتن تعهد اخلاقی و کاهش ارتباطاتی که در آن روابط خارج از عرف چه با دوستان همجنس و غیرهمجنس خود، تعهدات و قول و قرارهایی که ضمن عقد درباره مسائل مالی، حق کارکردن و احقاق حقوق فرزندان چه از لحاظ رفتاری و چه از لحاظ مالی و حمایتی داشتند، را از عوامل موثر بر تعهدات زناشویی ذکر کردند.

"نقش‌پذیری زوجین": یکی از علل رضایت زوجین از یکدیگر گرفتن نقش‌های تعریف شده در خانواده‌های ناتنی است. زوجین اولین نقش خود را به عنوان همسری و نقش‌های دیگر را بعنوان مادر و پدر بیولوژیک، والد غیربیولوژیک ایفا می‌کنند. هرچقدر انجام کارهای مربوط به هر فرد در خانواده‌ناتنی واضح‌تر و شفاف‌تر باشد و مرزهای بین افراد تعریف شده‌تر باشد، افراد کمتر با همدیگر دچار چالش خواهند شد و میزان رضایت زناشویی بالاتر می‌رود. همان‌طور که پاپارونو^۵ (۲۰۱۵) و جانی و لورا^۶ (۲۰۱۶) نیز نشان دادند زوج‌های خانواده‌های ناتنی چالش‌هایی در ارتباط با ابهام روابط و نقش‌های مربوط به والدان ناتنی دارند. بعلاوه تراورس (۲۰۲۱) نیز بر نقش‌پذیری والدگری، نقش همسری و والد-فرزندی و وجود مرزهای مشخص بین افراد یک خانواده تاکید نموده است و تاثیر آن بر رضایت و عدم رضایت زناشویی را نشان داده است. علاوه برآنکه ساختار خانواده‌ناتنی نسبت به خانواده هسته‌ای دارای پیچیدگی‌های بیشتر است و گاهی تبانی‌ها و صف‌بندی‌هایی بین والدین و فرزندان تنی در مقابل والد و فرزند دیگر ناتنی پیش خواهد آمد که منجر به بروز تعارض خواهد شد، اما زمانی که والدین بتوانند مرزهای شفاف و نقش‌های مشخص را بپذیرند، راحت‌تر می‌توانند امکان مذاکره را بوجود آورده و به سبب کاهش کشمکش و تعارض صمیمیت و رضایت زناشویی بیشتری را تجربه کنند.

"عوامل عاطفی": یکی از عواملی که باعث می‌شود زوجین در برابر سختی‌ها و ناملایمات زندگی شکیبا شوند و تحملشان بالاتر رود داشتن رابطه عاطفی مناسب بین زوجین می‌باشد. در زوجین دارای خانواده‌ناتنی نیز برقراری رابطه عاطفی بسیار مهم است. زیرا زوجین دوره سختی را پشت سر گذاشته‌اند و بیشتر تمایل دارند که رابطه عاطفی خوبی را تجربه نمایند. اما از این مسأله نیز نباید غافل شد که برخی از زوجین مهارت‌های برقراری رابطه عاطفی را ندارند و به نوعی همین مسأله باعث بروز ناراضی‌تای در زوجین می‌شود. در این خصوص مطالعه یکله و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که ناامنی عاطفی و ناهمخوانی اولویت‌ها بر میزان رضایت و کیفیت ازدواج مجدد تاثیر منفی

1. French & Meltzer
 2. Travers
 3. Susan & Robert
 4. Givertz
 5. Papernow
 6. Laura & Joanny

می‌گذارد. این موضوع مطابق با نظریه گاتمن و گاتمن (۲۰۱۷) می‌باشد که بیان می‌دارد افزایش تعاملات کلامی مثبت و ارائه هیجانات مفید و درک بهتر یکدیگر، زمینه افزایش رضایت زناشویی و کاهش تعارضات را به همراه خواهد داشت. این نتایج در راستای یافته‌های مطالعه حاضر قرار داشت.

"عوامل رفتاری": با توجه به نتایج به دست آمده سازگاری رفتاری و انطباق رفتاری یکی از مسائل موجود در افزایش رضایت زناشویی و توسعه روابط زوجین می‌شود. همچنان که ویشر و ویشر^۱ (۲۰۱۳) نیز نشان دادند اگر زوجین نتوانند بر متعادل کردن روابط با همسر قبلی و توسعه روابط با همسر جدید تمرکز کنند، رابطه به شکست منجر خواهد شد. بعلاوه بهمنی (۱۳۹۵) هم در تحقیق خود بیان کرد که زوجین برای جبران شکست‌های زندگی قبلی، سازگاری بیشتری در ازدواج مجدد نشان می‌دهند که این مساله بر کیفیت زندگی زناشویی در ازدواج مجدد موثر است؛ که این نتایج با یافته‌های مطالعه حاضر همراستا می‌باشد. قابل بیان است که مطابق با مدل تبادل رفتاری اختلافات زناشویی تا حد زیادی نتیجه میزان تنبیه و تقویت اعمال شده از سوی زوجین است (میران‌خان، ۲۰۱۷)، لذا وجود سازگاری رفتاری و انطباق رفتاری زوجین به عنوان یکی از مهارت‌های حل اختلاف و مهارت ارتباطی، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش رضایت زناشویی گردد.

"عوامل شخصیتی": با بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی مشخص گردید که هیچ یک از آنها به تاثیر عوامل شخصیتی بر میزان رضایت زوجین خانواده‌ناتنی اشاره نکردند. اما پژوهش‌هایی که در زمینه زوجین دارای خانواده هسته‌ای انجام شده‌اند، نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی از عوامل موثر بر رضایت یا تعارضات زناشویی می‌باشد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷؛ اورکی و فردآقایی، ۱۳۹۸؛ صدیقی و همکاران، ۱۳۹۹). بعلاوه مطالعه سیستماتیک چهره (۱۳۹۶) نشان داد که رضایت زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، مسئولیت-پذیری، توافق‌جویی و گشودگی همبستگی مثبت و با ویژگی روان‌رنجورخویی همبستگی منفی دارد که با نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر اینکه زوجین دارای ویژگی شخصیتی برون‌گرایی، شوخ طبعی، مشارکت‌کننده در کارها، فعال بودن، صادق بودن و مسئولیت‌پذیر، رضایت زناشویی بیشتری داشتند، همخوانی دارد. البته نکته حائز اهمیت در پژوهش حاضر این بود که توافق بر سر ویژگی درون‌گرایی و برون‌گرایی در همه زوجین مشابه هم نبود و برخی درونگرا بودن همسرشان را دوست داشتند و اتفاقاً آن را عامل مهمی در افزایش رضایت زناشویی می‌دانستند که این عامل می‌تواند با پژوهش‌های قبلی متفاوت باشد.

"ارتباط و تربیت فرزندان": تربیت و ارتباط با فرزندان مساله بسیار مهم و حیاتی در زندگی خانواده‌های ناتنی دارد و میزان رضایت زوجین به نوعی با فرزندان گره خورده است که از چند جنب قابل بررسی است و همگی بر میزان رضایت زناشویی زوجین تاثیر می‌گذارد. ارتباط نوالد با فرزندان تنی و ناتنی، ارتباط فرزندان با یکدیگر، تفاهم بر سر تربیت فرزندان، ارتباط فرزندان ناتنی با والد بیولوژیک خود انواع ارتباطاتی است که در خانواده‌های ناتنی قابل مشاهده است. هرچقدر ارتباطات مثبت و همدلی بین نوالد و فرزندان بهتر و قویتر باشد، میزان رضایت بیشتری بین زوجین مشاهده می‌شود و بالعکس. آنچه در این پژوهش دیده شد، این است که توافق بر سر مسائل تربیتی، مسئولیت‌پذیری والدین در قبال فرزندان، مسائل مالی، مسائل تحصیلی، درک و همدلی و ارتباط خوب با بچه‌ها و بالعکس باعث می‌شود که رضایت زناشویی زوجین بیشتر شود. در این خصوص فاووز^۲ و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند هرچه نامادها از لحاظ عاطفی قوی‌تر هستند با برقراری ارتباط خوب و عاطفی می‌توانند بر استحکام رابطه بین زوجین و ناپدیری و بچه‌ها نیز موثر باشند. گانوک و همکاران (۲۰۱۹) نیز بیان کردند که رابطه نوالد-نافرزند بر رضایت و پایداری رابطه زناشویی تاثیرگذار است. تراورس (۲۰۲۱) نیز فرزندپروری را از جمله مسائلی می‌داند که بر انحلال ازدواج‌های مجدد و خانواده‌های ناتنی تأثیرگذار است.

مقوله محوری

"مهارت‌های ارتباطی": توانایی ارتباط برقرار کردن لازمه‌ی یک ازدواج سالم است. توانمند شدن در مهارت‌های ارتباطی به آسانی اتفاق نمی‌افتد. مهارت گفتگو، انتقادپذیری، خودمهارگری، هدفمندی، حل تعارض، شنونده فعال بودن، توجه به احساسات و پاسخگو بودن به شکل کلامی و غیرکلامی، هدفمندی رابطه، صبر و شکیبایی، ق‌دردانی از مهمترین مهارت‌های ارتباطی است که باعث افزایش رضایت زناشویی در زوجین می‌گردد. گانونگ و همکاران (۲۰۱۶) و لیدرمن^۳ و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند عدم برقراری ارتباط مناسب بین زوجین و ابهام در روابط و نقش زوجی بر رضایت زناشویی تاثیر مستقیم دارد، که با نتیجه پژوهش حاضر همخوانی داشت. بعلاوه در

1. Visher & Visher
2. Favez
3. Ledermann

